

علمی پژوهشی

مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به کم‌فرزندى زوجین شهر تهران

دکتر غلامرضا تاج بخش^۱ و محمد پیری نژاد^۲

چکیده:

زمینه و هدف: تحولات جمعیت ایران در دهه‌های اخیر، گسترده و چشم‌گیر بوده است به نحوی که امروزه باروری زیر سطح جانشینی در جامعه فراگیر شده و نوعی هم‌گرایی در کاهش باروری و گرایش به کم‌فرزندى بین خانواده‌ها صورت گرفته است. بر این اساس هدف پژوهش حاضر مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به کم‌فرزندى در بین زنان و مردان متأهل شهر تهران است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر با رویکرد کمی و روش پیمایش صورت گرفته است. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی، واحد تحلیل آن فرد و ابزار پژوهش پرسشنامه ساختمانده است. جامعه آماری شامل زنان و مردان دارای همسر شهر تهران واقع در سن باروری که بین صفر تا دو فرزند دارند می باشد، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ نفر محاسبه شد که با شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای داده‌های آن جمع‌آوری گردید.

یافته‌ها: نتایج همبستگی پیرسون نشان داد بین احساس ناامنی اقتصادی، احساس انومی اجتماعی، گرایش به ارزش‌های مدرن، استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، میزان مشارکت اجتماعی، پایگاه اقتصادی اجتماعی و گرایش به کم‌فرزندى رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و بین میزان حمایت اجتماعی و گرایش به کم‌فرزندى رابطه منفی و معنی‌داری مشاهده شد، به این صورت که هرچه میزان حمایت اجتماعی از افراد بیشتر باشد گرایش به کم‌فرزندى آنان کمتر است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای جامعه‌شناختی وارد شده در مدل رگرسیون حدود ۶۶ درصد واریانس گرایش به کم‌فرزندى را تبیین می‌کنند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد متغیر مشارکت اجتماعی با ضریب بتای (۰.۷۴۱) گرایش به ارزش‌های مدرن با ضریب بتای (۰.۷۲۴) و احساس ناامنی اقتصادی با ضریب بتای (۰.۵۳۷) بیشترین تأثیر را در گرایش افراد به کم‌فرزندى دارند.

نتیجه‌گیری: ضرورت دارد بازاندیشی در نقش و مسئولیت خانواده‌ها، نهادها و سازمان‌های مرتبط در موضوع جمعیت صورت پذیرفته و لزوم ایجاد نگاهی واقع‌گرایانه برای هدف‌گذاری‌های میان مدت و بلند مدت فراهم شود تا بتوان از موهبت پنجره طلایی دستاوردی مطلوبی نصیب کشور شود.

واژگان کلیدی: جمعیت، کاهش باروری، سطح جایگزینی، کم‌فرزندى.

۱-دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آیت الله بروجردی

۲-دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

مقدمه و بیان مسئله

جمعیت یکی از عناصر قدرت هر کشور و عامل مهمی در رشد و اعتلای فرهنگی و اقتصادی جوامع بشری است. در نیم قرن اخیر موضوع انتقال جمعیتی از مباحثی بوده که مورد توجه جمعیت‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است. بر اثر پدیده انتقال جمعیتی کشورهای مختلف دنیا از سطح بالایی از مرگ و میر و باروری به سطح پایین مرگ و میر و باروری منتقل شده اند. در واقع در مرحله انتقالی، جمعیت‌ها از وضعیت تعادلی که ناشی از مرگ و میر و زاد و ولد بالاست به وضعیت تعادلی نوینی که منبث از مرگ و میر و زاد و ولد پایین است منتقل می‌شوند. (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۰۶) امروزه و در دنیای مدرن یکی از ارکان بنیادی یک کشور و از عمده‌ترین عوامل مورد استفاده در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی - اجتماعی و هر گونه توسعه اجتماعی در هر جامعه، جمعیت است و در تمام برنامه‌ریزی‌های اقتصادی اجتماعی ناگزیر باید عامل جمعیت و تغییر و تحولات آن را مد نظر قرار داد. پدیده‌های جمعیتی همواره با تغییرات همراه است؛ به طوری که می‌توان گفت تغییر ویژگی ذاتی جمعیت‌های انسانی است. یکی از متغیرهای اساسی و اثرگذار در تحولات جمعیت، باروری^۱ است؛ هر گونه افزایش یا کاهش باروری تأثیر مستقیمی در ساختار سنی جمعیت یک جامعه دارد، کاهش باروری و زاد و ولد علاوه بر تأثیری که بر میزان رشد جمعیت و تعدیل شتاب افزایش تعداد جمعیت دارد، بر ترکیب و ساختار جمعیت نیز تأثیر خواهد گذاشت. مدرنیزاسیون از طریق صنعتی شدن، شهرنشینی، افزایش آموزش همگانی، گسترش رسانه‌های ارتباطی نوظهور و شبکه‌های اجتماعی باعث تغییر الگوها و عناصر سنتی خانواده و ازدواج و تغییر جهت آن‌ها به سمت فردمحوری، آزادی انتخاب همسر و باروری پایین می‌گردد. (عباسی شوازی و خانی، ۱۳۸۸؛ عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴)

میزان باروری کل^۲ از حدود ۶/۳ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۶۵ به ۱/۶ فرزند برای هر زن در سال ۱۴۰۲ کاهش یافت، تداوم این کاهش و روند سیر نزولی در سال‌های آینده دور از انتظار نیست و ایران در دهه آینده در زمره‌ی کشورهای با باروری خیلی پایین و داشتن افراد سالمند زیاد قرار خواهد گرفت.

مطالعه روندهای اخیر نرخ رشد جمعیت در سرشماری‌های دو دهه اخیر نشان می‌دهد که ایران وارد مرحله دوم گذار جمعیتی شده است، کاهش سریع باروری کل در ایران، منجر به تغییرات بنیادی در ساختار سنی، کاهش بعد خانوار و تغییر در رفتار باروری خانواده ایرانی شده است. این امر کشور را با چالش‌هایی مثل باروری زیر سطح جایگزینی، کاهش جمعیت فعال در سن کار، سالیانوردگی و رشد منفی جمعیت روبرو می‌کند. (محمودی و مشفق، ۱۳۸۸).

1 - Fertility

2 - Total Fertility Rate

بر اساس آمار منتشر شده از سوی دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران، میزان باروری کل کشور از ۲۰۰۷ فرزند در سال ۱۳۹۶ که می‌توان آن را باروری در سطح جانشینی در نظر گرفت؛ با سیری نزولی به ۱۰۶ فرزند در سال ۱۴۰۲ یعنی باروری کمتر از سطح جانشینی رسیده است. بر اساس این گزارش ۵۸ درصد از استان‌ها در سال ۱۴۰۲ باروری کمتر از سطح جانشینی یعنی بین ۱۰۵ تا ۲۰۱ فرزند، ۱۶ درصد از استان‌ها باروری بسیار پایین یعنی ۱۰۳ فرزند و کمتر از آن، ۱۳ درصد از استان‌ها باروری پایین یعنی ۱۰۵ فرزند و کمتر از آن و ۱۳ درصد استان‌ها باروری بالاتر از سطح جانشینی یعنی بیشتر از ۲۰۱ فرزند داشته‌اند. بر اساس گزارش مرکز مطالعات راهبردی جمعیت در سال ۱۳۹۹ نرخ باروری در تهران بسیار پایین و ۱۰۳ فرزند به ازای هر زن بوده که پایین‌تر از سطح جانشینی و میانگین کشور است. (ایسنا، ۱۴۰۱) بنابراین با ادامه این روند و کاهش باروری به زیر سطح جانشینی^۱، کودکان کمتری متولد می‌شوند، به طور تدریجی تعداد زیادی از افراد بزرگسال به گروه‌های سنی مسن‌تر انتقال می‌یابند و در نتیجه تغییر در ساختار سنی جمعیت و افزایش سن از عواقب اجتناب‌ناپذیری باروری پایین و زیر سطح جانشینی است. در درازمدت، سالخوردگی جمعیت تنها نتیجه اساسی باروری پایین نیست، بلکه ساختار سالخوردگی نیز نیروی محرکه‌ی کاهش جمعیت را فراهم می‌کند. (مک دونالد، ۲۰۰۷: ۲۴). بنابراین با توجه به آنچه گفته شد کاهش فرزندآوری و گرایش به کم‌فرزندگی به عنوان یک مسئله به فهرست مسائل اجتماعی جامعه تبدیل شده است. بدیهی است اگر خانواده‌ها با توجه به ویژگی‌های جامعه شهری ایران، تمایلی به فرزندآوری نداشته باشند ادامه بقا و پویایی نظام خانواده و جامعه با مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهد شد. در پژوهش حاضر با رویکردی جامعه‌شناختی به دنبال «تبیین» گرایش افراد متأهل به کم‌فرزندگی هستیم، پرسش اساسی این پژوهش این است که گرایش به کم‌فرزندگی با کدام عوامل و متغیرهای اجتماعی ارتباط داشته و قابل تبیین است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

تحولات جمعیت ایران در طول چند دهه گذشته بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گسترده و چشمگیر بوده است. بررسی‌ها و مطالعات حاکی از آن است که نوعی همگرایی در رفتارهای باروری در جامعه ایران مشهود است، تحقیقات نشان می‌دهد امروزه باروری زیر سطح جانشینی در اکثر استان‌های کشور فراگیر شده است. امروزه جهان و ایران در اواخر مرحله دوم گذار جمعیتی در شرایط خاصی هستند. گذار جمعیتی^۲ ترسیم و تبیین‌کننده گذار از یک تعادل جمعیتی به تعادل دیگری است؛ گذار از تعادل طبیعی یا بیولوژیک بین میزان‌های بالای ولادت و مرگ به تعادل ارادی یا اقتصادی بین میزان‌های پایین ولادت و مرگ. حد فاصل این دو تعادل دوران گذار جمعیتی است. در اواخر دوران گذار، همزمان با رسیدن باروری به سطح

1- Below Replacement Level

2- Demographic Transition

جانشینی دوره‌ای آغاز می‌شود که در آن، در پی کاهش نسبتاً سریع سطح باروری و ثبات نسبی سطح مرگ و میر، نسبت کم‌سالان کاهش پیدا می‌کند؛ ترکیب سنی جمعیت از جوانی دور می‌شود و سهم جمعیت بالقوه فعال (۶۴-۱۵ ساله) از کل جمعیت در مقیاسی که در تاریخ بی‌سابقه است بزرگ می‌شود. در نتیجه برای مدتی کوتاه (چند دهه) شرایط بسیار مساعد جمعیتی برای رشد بالقوه اقتصادی فراهم می‌شود، این دوره را جمعیت‌شناسان «پنجره جمعیتی» می‌نامند. (سرای، ۱۳۹۸ : ۱۳۸) بر اساس پیش‌بینی‌های سناریوی حد وسط بخش جمعیت سازمان ملل متحد (۲۰۰۹) پنجره جمعیتی ایران از سال ۱۳۸۴ به مدت تقریباً چهار دهه و تا دوره‌ی پنج ساله‌ی منتهی به دهه‌ی سوم قرن ۱۵ خورشیدی (۱۴۳۰ - ۱۴۲۵) باز خواهد ماند؛ در تاریخ دگرگونی‌ها و تحولات جمعیتی هر کشور، پنجره جمعیتی فقط یک بار باز می‌شود و اگر فرصت تکرار ناپذیر ایجاد شده توسط پنجره جمعیتی به درستی مطالعه شود، سیاست‌های جمعیتی مواجهه با آن به درستی اتخاذ و اجرایی شود می‌تواند در تبدیل اقتصاد در حال توسعه کشور به اقتصادی توسعه یافته نقش بسیار سازنده‌ای ایفا کند.

جامعه ایران در چند دهه‌ی اخیر تحولات سریع جمعیت شناختی چشمگیری را تجربه کرده است، یکی از این تحولات، کاهش ملموس باروری کل به زیر حد جانشینی و فرهنگ سازی پدیده‌ی کم‌فرزندی و تمایل به داشتن فرزند کمتر در بین خانواده‌ها است. این کاهش نرخ باروری محصول تغییر در نگرش و انگاره‌های خانواده‌ها به فرزندآوری است که کاهش بُعد خانوار را موجب شده است، به طوری که شاهد تغییر اساسی و فراگیر در رفتار و نیت باروری خانواده‌ی ایرانی هستیم؛ آنچه مسلم و قابل توجه است اینکه غفلت از مخاطرات آتی ناشی از باروری زیر سطح جانشینی اشتباه است و نیازمند بررسی علمی و شناخت موانع فرزندآوری هستیم. کاهش فرزندآوری و گرایش به کم‌فرزندی در جامعه به نوبه‌ی خود می‌تواند عواقب مخاطره‌آمیزی همچون کاهش جمعیت فعال، کهنسالی جمعیت و به هم خوردن نسبت سنی را به همراه داشته باشد؛ بدنبال کاهش بُعد خانوار و گرایش به کم‌فرزندی، هرگونه برنامه‌ریزی برای حفظ نرخ باروری در سطح جانشینی مستلزم آشنایی با عوامل و زمینه‌های آن در جامعه‌ی هدف است، اهمیت بررسی این موضوع زمانی آشکار می‌شود که ادامه این روند و کاهش نرخ باروری و همچنین کاهش جمعیت مولد و جوان کشور در آینده طبق پیش‌بینی‌های جمعیت‌شناسان، جامعه را با بحران جمعیت و پیامدهای ناشی از آن مواجه خواهد کرد. از این رو مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به کم‌فرزندی بین خانواده‌ها به منظور کشف و تبیین روشی در جهت بازنگری در سیاست‌های جمعیتی ضروری به نظر می‌رسد و مستلزم بررسی و تبیین علمی است. به همین دلیل هدف اصلی پژوهش حاضر مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به کم‌فرزندی زنان و مردان متأهل شهر تهران می‌باشد.

پیشینه تجربی پژوهش

یافته‌های پژوهش تاج بخش (۱۴۰۳) با عنوان واکاوی دیدگاه نخبگان از تمایل به فرزندآوری و شناسایی عوامل مرتبط با آن در استان لرستان نشان داد که احساس ناامنی زوجین در بعد شغلی با ۴/۹۷، احساس ناامنی در بعد هزینه‌های زندگی با ۴/۷۲، احساس ناامنی در بعد مالی و درآمدی با ۴/۶۱، در بعد مسکن با ۴/۵۵، مهاجرت کردن با ۴/۴۲، مهارت‌های زندگی زوجین با ۳/۶۷ بیشترین تأثیر را بر گرایش به فرزندآوری زوجین استان لرستان دارد. همچنین نتایج تحلیل مسیر با استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی با ۰/۳۸۵، عوامل اجتماعی با ۰/۳۵۴، عوامل اقتصادی با ۰/۳۲۵، عوامل سیاسی با ۰/۲۱۱ و عوامل روانی با ۰/۱۶۲ به ترتیب بیشترین تأثیر را بر تمایل زوجین به فرزندآوری در استان لرستان دارند.

یافته‌های پژوهش تاج بخش (۱۴۰۰) با عنوان مطالعه زمینه‌ها و بسترهای کاهش نرخ باروری در بین زنان شهر شیراز بیانگر آن است عواملی نظیر بازاندیشی فرصت‌های فردگرایانه، فقدان اثر بخشی و کارآمدی سیاست‌های جمعیتی، ترس از بیماری کرونا، فرسایش سرمایه اجتماعی درون خانوادگی، سبک نوین زندگی و ایدئولوژی‌ها و ارزش‌های نوظهور، کم رنگ شدن ابعاد نگرشی و عملی ارزش‌های دینی، نابسامانی و شوک‌های اقتصادی، بزرگ پنداری دافعه‌های فرزندآوری، محدودیت‌های پذیرفته شده اجتماعی و تحولات خانواده در کاهش باروری جامعه هدف اثر گذار می‌باشند.

غفاری سردشت و متقی (۱۳۹۹) در تحقیقی به تبیین عوامل مؤثر بر فرزندآوری در بین زنان شهر مشهد به روش کیفی از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۲۵ زن انجام دادند. نتایج نشان داد عوامل فرهنگی و اعتقادی مانند مقدر شدن روزی فرزند، افزایش فرزندآوری را به دنبال دارد. همچنین اعمال سیاست‌های تشویقی و تحدیدی دولت در راستای افزایش باروری در فرزندآوری مؤثر می‌باشند، اما مؤثرترین عامل در شرایط کنونی افزایش مشکلات اقتصادی است. به طور کلی می‌توان گفت کاهش باروری ناشی از تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. این تغییرات در طبقات مختلف جامعه حادث شده است، اما به نظر می‌رسد که در بین طبقه بالا و مرفه، تغییرات فرهنگی و اجتماعی عامل مهم‌تری در کاهش باروری بوده و در بین طبقات متوسط و ضعیف عامل اقتصادی دارای اهمیت است. صادقی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی بسترهای فرهنگی کاهش باروری در ایران پرداخته است که با استفاده از داده‌های سطح خرد سرشماری و پیمایش نمونه‌ای نشان می‌دهد ارزش‌های فرهنگی، به عنوان پایه و اساس رفتارهای انسانی نقش مهمی در باروری دارند. فرهنگ قواعد هنجاری و تفسیری یا معنادهی را فراهم می‌کند که افراد بسته به آن‌ها و در انطباق با شرایط اقتصادی و اجتماعی رفتارهای باروری خود را تنظیم می‌کنند. وی نتیجه‌گیری می‌کند که تعامل نیروهای ساختی نهادی، معنایی و فرهنگی منجر به شکل‌گیری باروری زیر سطح جایگزینی شده است.

آقایاری هیر و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان فرزندآوری به مثابه مخاطره به منظور کشف زمینه‌های کاهش باروری با روش کیفی دیدگاه‌های ۳۰ نفر از زنان شهر تبریز را با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق جمع‌آوری کرده‌اند. نتایج نشان داد تغییرات کارکردی خانواده، پذیرش اجتماعی و نهادینه شدن کم‌فرزندی، کاهش حمایت اجتماعی، عبرت آموزی نسلی، بی‌اعتمادی به سیاست‌های تشویقی، برساخت رسانه‌ای و پزشکی کم‌فرزندی از جمله شرایط تسهیل‌گر کم‌فرزندی شناسایی شدند. رضوی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به تفسیرها و پنداشت‌ها و تمایل زنان به کم‌فرزندطلبی و تأخیر در فرزندآوری با روش کیفی و مصاحبه عمیق در شهر مشهد پرداخته‌اند. نتایج نشان داد دغدغه‌های فرزند محور (به ویژه تربیتی) و والد محور (اقتصادی، رفاهی و محدودیت‌زایی) موجب کم‌فرزندی شده و زمینه‌های ذهنی و عینی از جمله وجه ارزشی یافتن کم‌فرزندی و تمهیدات نهادی مشوق موجب ترغیب زوج‌ها به کم‌فرزندی شده است. همچنین مهم‌ترین معایب فرزندآوری در میان نمونه مورد مطالعه محدودیت تعاملات اجتماعی و محدودیت پیگیری رشد شخصی بود.

محمدی و رستگارخالد (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان تغییرات فرهنگی و افت باروری در ایران که بر پایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان به انجام رسید به مطالعه رابطه تحولات فرهنگی در حوزه‌های فردی، خانوادگی و مذهبی با تغییرات نرخ‌های باروری در مراکز استان‌های ایران پرداختند. نتایج نشان داد که رابطه معناداری بین متغیرهای فردگرایی، دینداری، سکولاریسم و ارزش‌های خانوادگی در میان مراکز استانی ایران با نرخ‌های باروری در این استان‌ها وجود دارد؛ به این معنا که هر چه میزان دینداری شهرها بیشتر، سطح سکولاریسم و فردگرایی کمتر، میزان توجه به ارزش‌های خانوادگی بیشتر باشد نرخ باروری در آن شهرها بیشتر است و بر عکس، دینداری کمتر، سکولاریسم و فردگرایی بیشتر و توجه به ارزش‌های خانوادگی کمتر، با نرخ‌های پایین باروری رابطه‌ای مثبت دارند.

دی لانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی تأثیر ناامنی اقتصادی در تأخیر تشکیل خانواده و به دنیا آوردن فرزند پرداخته‌اند، آنان دریافتند ناامنی کلان اقتصادی عامل تعیین‌کننده‌ای در تأخیر در تشکیل خانواده است اما تأثیری در تولد اولین فرزند ندارد. مودنا^۲ و همکاران (۲۰۱۲) در مطالعه خود تفاوت بین رفتار و ایده‌آل‌های باروری در ایتالیا را مورد بررسی قرار داده‌اند، آنان به این نتیجه رسیدند که بی‌ثباتی وضعیت شغلی زنان و ناامنی در ثروت خانوار بطور معنی‌داری بر تأخیر و حتی توقف فرزندآوری اثرگذار است. خاتون^۳ (۲۰۱۱) در تحقیق خود «باروری مطلوب و واقعی در بنگلادش؛ نقش رسانه‌های جمعی و تعاملات اجتماعی» نشان می‌دهد که هنجارهای اجتماعی پیش‌بینی‌کننده عمده باروری مطلوب هستند و در بنگلادش اندازه ایده‌آل خانواده بیش از دو فرزند است. با این حال، دسترسی به رسانه‌های جمعی و

1- De lange

2- modena

3- Khaton

تعاملات اجتماعی احتمال اینکه افراد خانواده‌های کوچک را ایده‌آل مورد نظر خود انتخاب کنند را افزایش می‌دهد. کرتزر و وایت^۱ (۲۰۰۹) دلایل کاهش باروری در ایتالیا را افزایش تمایل به سبک زندگی مدرن می‌دانند. برینگتون^۲ (۲۰۰۸) در بررسی تمایلات باروری و پیامدهای آن در بین زنان و مردان در لندن به شواهدی مبنی بر اینکه مردان در بریتانیا تمایل به داشتن خانواده‌های کوچکتر دارند دست نیافت. او می‌گوید زنان تمایل دارند باروری آینده خود را بیش از واقعیت عنوان کنند. داشتن یک شریک با تمایلات باروری متضاد و مخالف احتمالاً روی تولدهای آینده تأثیر دارد. هارا^۳ (۲۰۰۸) در پژوهشی به موضوع بی‌فرزندگی در کشورهای آلمان و ژاپن پرداخته است و شواهدی از کاهش باروری و افزایش بی‌فرزندگی را در این کشورها نشان می‌دهد. وی مهم‌ترین تغییرات عصر حاضر را گسترش آزادی فردی و نیل به استعدادهای فردی یا خودشکوفایی می‌داند. لم^۴ (۲۰۰۷) در مطالعه خود به این نتیجه رسید که تغییر موقعیت زنان از طریق اشتغال، تحصیلات، مشارکت در تصمیم‌گیری خانواده و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی تأثیر معناداری بر کاهش باروری دارد. بیلاری و کوهرلر^۵ (۲۰۰۲) در مقاله‌ای به بررسی الگوهای باروری پایین در اروپا پرداختند، آن‌ها به تجزیه و تحلیل‌های توصیفی انبوهی به منظور بررسی رابطه بین باروری کم و پایین‌ترین دوره باروری از یک سو، و باروری گروهی و رفتارهای کلیدی مرتبط با باروری مانند ترک خانه والدین، ازدواج و مشارکت نیروی کار زن از سویی دیگر انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد همبستگی‌های بین کشوری در اروپا بین سطح باروری کل از یک سو، و نرخ کل ازدواج اول، نسبت تولدهای خارج از ازدواج و نرخ مشارکت نیروی کار زنان از سوی دیگر معکوس شده است. لستق و ونداکا^۶ (۱۹۸۶) گذار دوم جمعیتی را نتیجه تغییراتی می‌دانند که در ارزش‌های نهاد خانواده رخ داده است. آنان فردگرایی را به عنوان یکی از مهم‌ترین تغییرات فرهنگی قرن اخیر که بیشتر نظریه‌پردازان آن را مطرح کرده‌اند نام می‌برند.

مبانی نظری پژوهش

مدرنیاسیون با تأکید بر تغییرات ساختاری، بر تحولات اقتصادی اجتماعی ناشی از صنعتی شدن و دیگر اشکال نوسازی مانند افزایش سطح تحصیلات، گسترش ارتباطات اجتماعی، کاهش مرگ و میر کودکان و غیره به عنوان عوامل اصلی کاهش باروری توجه می‌کند. (گود، ۱۹۶۳ به نقل از افشانی و دیگران، ۱۳۸۶) نوسازی رفتارهای فرزندآوری جوامع را طوری تغییر می‌دهد که تعداد زیاد کودکان برای والدین مزیتی نخواهد داشت. بر این اساس کاهش باروری زمانی اتفاق می‌افتد که فرایندی از نوسازی در اثر صنعتی شدن، شهرگرایی، افزایش تحصیلات،

1- Kretzer and white

2- Brrington

3- Hara

4- Lam

5- Billary and Kohler

6- Lestagh and Vandaka

آزادی زنان و توسعه اقتصادی اجتماعی آغاز می‌شود. شهرنشینی یک شیوه‌ی زندگی را ایجاد می‌کند که داشتن تعداد زیاد فرزند را نامطلوب می‌سازد، زیرا والدین را با محدودیت‌های مالی مواجه می‌کند و همچنین تربیت و پرورش فرزندان هزینه‌های سنگینی بر آنان تحمیل نموده و منافع فرزندان را کاهش می‌دهد، در نتیجه انگیزه خانواده‌ها و زوجین برای داشتن فرزندان بیشتر، ضعیف می‌شود. (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۲۰)

یکی دیگر از نظریه‌هایی که به تبیین باروری و چرایی گرایش به کم‌فرزندی می‌پردازد، نظریه اقتصادی مبادله است. بر اساس این دیدگاه رابطه بین زوجین یک مبادله محسوب می‌شود که از ابتدای زندگی مشترک شروع شده است. (اسکید مور، ۱۳۷۲: ۴۷) بر اساس این نظریه تمامی رفتار افراد از جمله رفتار باروری بر اساس تجزیه و تحلیل هزینه و فایده فرزندآوری انجام می‌شود. گری بکر^۱ به تبیین اقتصادی رفتار باروری پرداخته است. بکر معتقد است که رفتار باروری خانواده‌ها متأثر از رفتار اقتصادی آنهاست. در این تئوری فرزند به عنوان کالای مصرفی در نظر گرفته می‌شود که تصاحب آن مستلزم صرف پول و زمان از سوی والدین است؛ همانطوری که خانواده‌ها در مورد انتخاب یک کالا تصمیم می‌گیرند، درباره داشتن فرزند و شمار آن نیز تصمیم‌گیری می‌کنند. (حسینی، ۱۳۸۱: ۵۱) به اعتقاد مک دونالد^۲ (۲۰۱۰) جهانی شدن^۳ و افزایش تحصیلات و آگاهی همگانی، توقعات اقتصادی خانواده‌ها را بالا برده است. به طور همزمان، نرخ بالای بیکاری افراد با پس‌اندازهای پایین و نبود موقعیت شغلی در بازار کار و افزایش احساس ناامنی اقتصادی همراه است. ناامنی اقتصادی^۴ می‌تواند توانایی افراد برای برآورده ساختن آرمان‌ها و انتظارات شخصی آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار دهد. در چنین شرایطی افراد در واکنش به شرایط اقتصادی پیش رو به منظور دستیابی به استانداردهای مطلوب زندگی خود، ازدواج را به تأخیر انداخته و آنهایی که وارد بازار کار و زندگی زنانشویی می‌شوند ترجیحات باروری و زمانبندی آن را تعدیل می‌کنند. (عباسی شوازی، ۱۳۹۵)

یکی از نظریه‌هایی که گذار از جامعه سنتی به مدرن و گرایش به ارزش‌های مدرن را تبیین می‌کند، تئوری تغییر ارزش‌ها اینگلهارت است. اینگلهارت^۵ تغییرات در سطح نظام را ناشی از رشد اقتصادی و فناوری، تأمین نیازهای طبیعی نسبت وسیع تری از جمعیت، افزایش سطح تحصیلات، تجربه‌های متفاوت گروه‌های سنی، گسترش و فزونی ارتباطات اجتماعی و افزایش تحرک جغرافیایی می‌داند. (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۵) اینگلهارت معتقد است ارزش‌های هر جامعه به احتمال زیاد انعکاس سطح توسعه اقتصادی آن جامعه است. به باور وی بیشتر تحصیل کردگان، اقشار با درآمد بالاتر و فرامادیون به جهان بینی‌های مدرن گرایش دارند و جهان‌بینی‌های سنتی در مقابل جهان‌بینی‌های عقلانی سست و ضعیف شده‌اند. توسعه اقتصادی

1- G. Becker

2- Mc Donald

3- Globalization

4- Economic insecurity

5- Englehart

موجب متساهل‌تر شدن افراد شده و آن‌ها را به تأکید بر ابراز وجود، مشارکت اجتماعی و تلاش در جهت بهبود کیفیت زندگی سوق می‌دهد. در جوامع صنعتی و پیشرفته با وجود نهادهای رفاهی نیاز چندانی به خانواده مستحکم برای بقا وجود ندارد و هنجارهای سخت جایشان را به ابراز وجود فردی و بیان خود می‌دهند، اینگلهارت معتقد است دگرگونی فرهنگی، تدریجی است و انعکاس دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده است و گرایش به ارزش‌های مدرن تا حد زیادی در بین نسل‌های جوان‌تر نفوذ کرده و جایگزین جهان بینی مرسوم در جوامع سنتی شده است. (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۲۰)

رشد سریع جمعیت، دگرگونی ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، بی‌تناسبی عمیق بین توسعه فنی و فرهنگی و به عبارت دیگر، توسعه ناموزون در ایران معاصر موجب شکل‌گیری بی‌قاعدگی‌هایی شده که پیامد آن افزایش ناپهنجاری‌ها و انحرافات در شهرها است. (کلدی و رحمانی، ۱۳۸۵: ۱۹۲) در این بین آنومی^۱ به عنوان یک مشکل ناشی از شرایطی است که بخشی از آن به دگرگونی‌های سریع و بخشی دیگر به نابسامانی‌های جامعه مربوط می‌شود. در نگاه دورکیم، آنومی به وضعیتی در جامعه اطلاق می‌شود که در آن هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر فرد از دست می‌دهند، در چنین شرایطی افراد دیگر برای اقتدار اخلاقی جامعه احترام قائل نیستند، بنابراین افراد دچار احساس تشویش و فقدان راهنمای اخلاقی می‌شوند، تقاضاها و خواسته‌های مادی آن‌ها بی‌حساب و کتاب افزایش می‌یابد و خودخواهی‌ها بر آن‌ها غلبه می‌یابد. به نظر دورکیم آنومی دربرگیرنده حالت یا صفتی است که در آن مجموعه‌ای از قواعد حاکم بر کارکردهای اجتماعی مفقود شده است. آنومی یا آشفتگی اجتماعی، یک وضعیت بی‌قاعدگی یا بی‌هنجاری است که در آن افراد قادر نیستند با قواعد مشترک ارتباط برقرار کنند و نیازهای خود را ارضا نمایند، در نتیجه نظم اجتماعی و فرهنگی از هم فرو می‌پاشد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۳) در وضعیت آنومیک به دلیل فقدان حاکمیت هنجارها و حتی پدیدآمدن عرصه‌ای فاقد هنجارهای روشن، عدم التزام به قواعد اخلاقی و اجتماعی پدید می‌آید و الگوها به خوبی راهنمای رفتارهای اجتماعی نیستند؛ یکی از مهم‌ترین پیامدهای این وضعیت آنومیک، احساس ناامنی است؛ زیرا در بهترین حالت احساس امنیت، انعکاس تجربه‌ی فرد از جامعه است. به عبارت دیگر در شرایط مدرنیته که تعداد هرچه بیشتری از آدم‌ها در وضعیتی به سر می‌برند که نهادهای ازجاکنده شده‌ای عملکردهای محلی را به روابط اجتماعی جهانی مرتبط ساخته و نهادهای سنتی فراهم‌کننده‌ی امنیت مانند خانواده، خویشاوندی، محله و دین تضعیف شده و ناامنی افزایش می‌یابد. (گیدنز، ۱۳۸۷)

با ظهور فناوری‌های مدرن بخصوص اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، نوع جدیدی از روابط بین فردی شکل گرفته است که از آن به ارتباطات مجازی تعبیر می‌کنند. این ارتباطات مجازی بین فردی در قالب شبکه‌سازی‌های اجتماعی، روابط و مناسبات اجتماعی، ساختار و

کارکرد خانواده را نیز تحت تأثیر قرار داده است. (فرقانی و مهاجری، ۱۳۹۶: ۲۶۲) امروزه شبکه‌های اجتماعی مجازی و اینترنت جزء جدایی ناپذیر تعاملات اجتماعی روزمره محسوب می‌شوند، بطوریکه می‌توان ادعا کرد برای بسیاری از افراد زندگی بدون شبکه‌های اجتماعی مجازی امکان‌پذیر نیست یا دست کم مطلوبیتی ندارد. کاستلز^۱ معتقد است در هزاره سوم میلادی جامعه اطلاعاتی پیام آور فرهنگ، تمدن و جامعه نوین است که نظام‌های ارزشی، ساختارها، تقاضاها و الگوهای رفتاری خاص خود را به دنبال دارد. (تاجیک، ۱۳۸۵: ۷۱) وسایل ارتباطی و اطلاعاتی نوین جهت معنی بخشیدن به تجربه‌های جدید فرد در وی شناخت ایجاد می‌کنند و تجربه‌های مشترک را عمیق‌تر می‌نمایند و افراد را به ایده‌ها و مطالبات جدید تشویق می‌نمایند و با ارائه و انتقال اطلاعات ارزشی و هنجاری در آنان تغییر ایجاد نموده و در شکل‌گیری عقایدشان نقش مهمی ایفا می‌کنند. (Castells, 2007) کاستلز معتقد است مهم‌ترین نقش اینترنت کمک به الگوی جدید جامعه مبتنی بر فردگرایی است. همچنین کاستلز فواید اجتماعی شبکه‌های آنلاین را به دو دسته تقسیم می‌کند. الف) حفظ پیوندهای ضعیف: که در نبود شبکه‌های آنلاین ممکن بود در تعادل میان ارزش ارتباط و تلاش برای ملاقات فیزیکی از بین برود. ب) حفظ پیوندهای قوی: روابط خانوادگی عصر حاضر در اثر تحرک جغرافیایی و تغییر شکل خانواده، تضعیف شده است. نظریه جامعه شبکه‌ای تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی را بر همه ابعاد زندگی آشکار می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه شبکه‌های اجتماعی مجازی سبب تغییر سبک زندگی و تغییر در ساختار و کارکرد نهاد خانواده شده است. بری ولمن^۲ در نظریه «فردگرایی شبکه‌ای» معتقد است با ظهور فناوری‌های ارتباطی نوین، تعاملات انسان‌ها با یکدیگر دچار یک تغییر پارادایمی شده است؛ در دنیای فردهای شبکه‌ای این فرد است که در مرکز توجه قرار دارد نه خانواده؛ همچنین ارتباط با واری همسایگی‌ها، تغییر روابط بین اعضای خانواده و تنیده شدن عرصه خانه و محل کار در هم از تأثیرات فردگرایی شبکه‌ای است.

در ادبیات جمعیت‌شناسی جدید، از عوامل اقتصادی به عنوان یک عامل بالقوه مؤثر در کاهش باروری تأکید شده است. (مک دونالد، ۲۰۰۹) در این نظریه‌ها استدلال می‌شود که تصمیم‌گیری در مورد اندازه خانواده تحت تأثیر وضعیت اقتصادی خانوار قرار دارد. تصمیم‌گیرندگان تولید مثل، عاملانی هستند که عقلانی عمل می‌کنند و با توجه به عوامل اقتصادی رفتار باروری خود را تنظیم می‌کنند. (حسینی، ۱۳۹۰: ۹۴) بر اساس نظریه ارتقاء اجتماعی^۳ در جوامع مدرن، افراد تمایل شدیدی برای پیشرفت و ارتقاء در نردبان اجتماعی اقتصادی دارند. در این مسیر، شمار زیاد فرزندان مانعی برای حرکت سریع رو به بالا در این نردبان تلقی شده و این تمایل ممکن است تعداد فرزندان را کاهش دهد.

1 - Castells

2 - B. Welman

3 - Social Capillarity

یکی از نظریه‌هایی که بر روی ناامنی اقتصادی تأکید می‌کند، نظریه اجتناب از خطر است. نظریه اجتناب از خطر^۱ بر بی‌اطمینانی اقتصادی در فرایند تصمیم‌گیری تأکید دارد. ممکن است افراد درک درستی از هزینه‌های مربوط به انتخاب‌هایی که برای آینده در نظر می‌گیرند نداشته باشند و نمی‌توان با قطعیت تشخیص داد که چه هزینه‌ها و منافعی پیش رو خواهد بود. (مک دونالد، ۲۰۰۶) بر اساس این نظریه، تعهدات بلند مدتی همچون ازدواج و والد شدن، مستلزم ثبات شغلی و امنیت اقتصادی است و ناامنی اقتصادی حاصل از بی‌ثباتی شغلی بر قصد و رفتار باروری زوجین اثر منفی به همراه دارد. بطوریکه این بی‌اطمینانی و ناامنی اقتصادی موجب تأخیر یا حتی چشم‌پوشی از باروری می‌شود. و افراد در شرایط ناامن اقتصادی بر اموری چون تحصیلات، ساعت‌های طولانی کار و پس‌انداز که موجب امنیت اقتصادی هستند را در فکر می‌پروانند. (کوهلر، بیلاری و ارتگا، ۲۰۰۲، برناردی، کلارنر و لیپه، ۲۰۰۸، فیوری و همکاران، ۲۰۱۳) به اعتقاد مک دونالد جهانی شدن، آگاهی و افزایش سطح تحصیلات، توقعات اقتصادی خانواده‌ها را بالا برده است. به طور همزمان، عواملی مانند بیکاری، پس‌اندازهای کم و نبود موقعیت شغلی در بازار کار با افزایش احساس ناامنی همراه است، در این وضعیت افراد مسیریایی را دنبال می‌کنند که با ریسک کمتری مواجه است و مسیر مناسبی برای اجتناب از خطر به شمار می‌رود.

عامل مهم دیگری که در فرزندآوری و به ویژه فرزندپروری سهم بسزایی دارد، مشارکت اجتماعی است. مشارکت اجتماعی از طریق شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات بین افراد شناخته می‌شود. در اثر صنعتی شدن، ساختار خانواده دگرگون شده و کارکردهای آن به نهادهای دولتی، اجتماعی و اقتصادی واگذار شده است. در جوامع مدرن، خانواده اوقات فراغت زیادی برای خود اختصاص داده و توانسته بر حسب تخصص هر یک از اعضای خود، به شغلی جدا از شغل‌های خانوادگی و سنتی بپردازد، در جریان نوسازی که تنوع و تمایز ساختاری بوجود می‌آید، به مشارکت مردم برای ایفای نقش‌های جدیدتر نیاز است. بر حسب میزان مشارکت، تغییراتی در خانواده صورت می‌گیرد و با افزایش مشارکت مردم تعداد فرزندان ایده‌آل خانواده کاهش می‌یابد. این رویکرد قائل به همبستگی بین اشتغال و باروری است، هنگامی که ارزش زمان اختصاص یافته برای کار یک زن به خاطر دستمزد بالاتر افزایش می‌یابد، ارزش نسبی زمانی را که در منزل است کاهش خواهد یافت. بنابراین افزایش درآمد ناشی از مشارکت بیشتر زن در بازار کار و افزایش فرصت‌های زمان زنان عامل مهمی در تصمیم خانوار درباره‌ی تعداد فرزندان است. (گروگان و همکاران، ۲۰۰۶)

نظریه دیگر در زمینه تعارض کار و خانواده که می‌تواند سهم قابل توجهی در گرایش به کم‌فرزندانی داشته باشد، نظریه حمایت اجتماعی است. حمایت اجتماعی، احساس ذهنی تعلق، پذیرش، با ارزش بودن و امکان دریافت کمک در وضعیت اضطراری است. خانواده، دوستان،

همسایگان، همکاران و نهادهای اجتماعی، منابع عمده حمایت اجتماعی هستند. بر این اساس زمانی که افراد از سوی خانواده، دوستان و نهادهای اجتماعی حمایتی دریافت نمی کنند، برای کاهش تعارض مربوط به ترکیب کار و خانه سعی دارند بصورت انفرادی عمل کنند. در این شرایط تأخیر در فرزندآوری یا کاهش تعداد فرزندان، از سازوکارهای تعادل بخشی برای امور مربوط به داخل و بیرون خانه محسوب می شوند. حمایت اجتماعی می تواند تصمیم به ازدواج و داشتن فرزند را در سال های اول ازدواج یا در شرایطی که زن و شوهر هنوز در حال تحصیل اند یا به شغل پایداری دست نیافته اند ولی گرایش به فرزندآوری دارند، تسهیل کند. (بکر، ۲۰۱۰: ۳۷۶)

روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه ساختمان انجام شده است، پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و قلمرو زمانی آن پاییز و زمستان سال ۱۴۰۱ و به صورت مقطعی صورت گرفته است. واحد تحلیل، فرد و جامعه آماری شامل زنان و مردان دارای همسر شهر تهران واقع در سن باروری (۱۵ تا ۴۹ سال) که بین صفر تا دو فرزند دارند می باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و پذیرش خطای نمونه گیری ۰/۵ درصد و سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد تعداد ۳۸۴ نفر بدست آمد که محقق جهت معرف بودن نمونه را به ۴۰۰ نفر افزایش داد. شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای بوده و پنج منطقه ۲ و ۶ و ۱۰ و ۱۴ و ۱۸ شهر تهران انتخاب گردید که با مراجعه به این مناطق داده ها و اطلاعات پژوهش جمع آوری شد.

یافته های استنباطی پژوهش

جدول ۱- همبستگی متغیرهای جامعه شناختی با گرایش به کم فرزند

فرضیه	نام متغیر	تعداد پاسخگویان	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری (sig)	نتیجه آزمون
۱	احساس ناامنی اقتصادی در گرایش به کم فرزند	۴۰۰	۰.۳۸۲	۰.۰۰۰	معنادار
۲	احساس انومی اجتماعی در گرایش به کم فرزند	۴۰۰	۰.۵۱۱	۰.۰۰۰	معنادار
۳	گرایش به ارزش های مدرن بر گرایش به کم فرزند	۴۰۰	۰.۷۲۵	۰.۰۱۲	معنادار
۴	استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی در گرایش به کم فرزند	۴۰۰	۰.۶۳۵	۰.۰۰۰	معنادار
۵	میزان حمایت اجتماعی افراد در گرایش به کم فرزند	۴۰۰	-۰.۳۹۱	۰.۰۰۰	معنادار
۶	میزان مشارکت اجتماعی افراد در گرایش به کم فرزند	۴۰۰	۰.۵۲۹	۰.۰۰۰	معنادار
۷	پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد در گرایش به کم فرزند	۴۰۰	۰.۶۲۱	۰.۰۱۶	معنادار

نتایج به دست آمده از فرضیه ۱ جدول ۱ آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که $p\text{-value}$ کمتر از ۰/۰۵ یعنی (۰/۰۰۰) است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین احساس نا امنی اقتصادی و گرایش به کم‌فرزنداری رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. در واقع هر چه احساس نا امنی اقتصادی افراد بیشتر باشد، گرایش به کم‌فرزنداری آن‌ها نیز بیشتر است.

مطابق بر آمار بدست آمده برای فرضیه دوم می‌توان نتیجه گرفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین احساس آنومی اجتماعی و گرایش به کم‌فرزنداری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. به این معنی که هر چه احساس آنومی اجتماعی افراد بیشتر باشد، گرایش به کم‌فرزنداری نیز بیشتر است.

نتایج به دست آمده برای فرضیه سوم از جدول ۱ آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که $p\text{-value}$ کمتر از ۰/۰۵ یعنی (۰/۰۱۲) است. می‌توان نتیجه گرفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین گرایش به ارزش‌های مدرن و گرایش به کم‌فرزنداری رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود، در واقع هر چه گرایش افراد به ارزش‌های مدرن بیشتر باشد، گرایش به کم‌فرزنداری نیز بیشتر است.

نتایج به دست آمده از جدول آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای متغیر شبکه‌های اجتماعی بیانگر آن است که $p\text{-value}$ کمتر از ۰/۰۵ یعنی (۰/۰۰۰) است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به کم‌فرزنداری رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود، به این معنی که هر چه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد، گرایش افراد به کم‌فرزنداری نیز بیشتر خواهد شد.

نتایج به دست آمده از جدول ۱ آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای متغیر حمایت اجتماعی نشان می‌دهد که $p\text{-value}$ کمتر از ۰/۰۵ یعنی (۰/۰۰۰) است. می‌توان نتیجه گرفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین میزان حمایت اجتماعی افراد و گرایش به کم‌فرزنداری رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. به این معنی که هر چه میزان حمایت اجتماعی افراد بیشتر باشد، گرایش به کم‌فرزنداری آنان کمتر است.

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، بین میزان مشارکت اجتماعی افراد و گرایش به کم‌فرزنداری با توجه به اینکه آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که $p\text{-value}$ کمتر از ۰/۰۵ یعنی (۰/۰۰۰) است. می‌توان نتیجه گرفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین میزان مشارکت اجتماعی افراد و گرایش به کم‌فرزنداری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود، در واقع هر چه میزان مشارکت اجتماعی افراد بیشتر باشد، گرایش به کم‌فرزنداری آن‌ها نیز بیشتر است.

نتایج به دست آمده برای فرضیه هفتم بیانگر آن است که $p\text{-value}$ بزرگتر از ۰/۰۵ یعنی (۰/۱۶) است. بنابراین می توان گفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد و گرایش به کم فرزندى رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و فرضیه پژوهش تأیید می شود، به این معنی که هر چه پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد بالاتر باشد، گرایش به کم فرزندى آن ها نیز بیشتر است.

جدول ۲- نتایج آزمون مدل رگرسیون تأثیر متغیرهای پژوهش

شاخص	همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار
مقدار	۰/۸۱۵	۰/۶۶۵	۰/۶۶۰	۳/۲۸۳

جدول شماره ۲ مدل خلاصه متغیرهای پژوهش شامل شاخص هایی است که موفقیت مدل رگرسیون را در پیش بینی متغیر وابسته (گرایش به کم فرزندى) ارزیابی می کند. همان طور که ملاحظه می شود مقدار ضریب همبستگی چندگانه $R = ۰/۸۱۵$ می باشد. این همبستگی بین مقادیر پیش بینی شده و مقادیر واقعی متغیر وابسته است. ضریب تعیین (R^2) یعنی ۰/۶۶۵، مقدار واریانس تبیین شده متغیر ملاک به وسیله متغیر مستقل را نشان می دهد. نتایج نشان می دهد مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (R^2) برابر با ۰/۶۶۰ می باشد و متغیرهای جامعه شناختی وارد شده در مدل رگرسیون ۰/۶۶ واریانس گرایش به کم فرزندى را تبیین می کنند.

جدول ۳- مشخص کننده های آماری، نتایج آزمون رگرسیون خطی متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل	ضریب بتای استاندارد شده	کمیت تی	سطح معنا داری
مقدار ثابت	-	۸/۵۳۱	۰۰۰
احساس نا امنی اقتصادی	۰/۵۳۷	۲/۵۱۲	۰۰۳۱
گرایش به ارزش های مدرن	۰/۷۲۴	۹/۴۰۹	۰۰۰
استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی	۰/۳۳۳	۳/۷۳۷	۰۰۰
میزان حمایت اجتماعی	-۱/۳۱۷	-۸/۶۲۹	۰۰۰
میزان مشارکت اجتماعی	۰/۷۴۱	۴/۲۵۳	۰۰۰

در جدول ۳ ترتیب متغیرهای مستقل پژوهش که در تحلیل رگرسیونی باقی ماندند همراه با مقدار بتا و سطوح معنی داری نمایش داده شده است. همان طور که ملاحظه می شود مقدار آماره sig (سطح معناداری) برای متغیرهای احساس نا امنی اقتصادی (۰/۳۱)، گرایش به ارزش های مدرن (۰/۰۰۰)، استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی (۰/۰۰۰)، میزان حمایت

اجتماعی (۰.۰۰۰)، میزان مشارکت اجتماعی (۰.۰۰۰) می‌باشد و متغیرهای مذکور از سطح معناداری مطلوبی برخوردار هستند. همچنین نتایج نشان می‌دهد متغیر میزان مشارکت اجتماعی با ضریب بتای استاندارد شده (۰.۷۴۱)، گرایش به ارزش‌های مدرن با ضریب بتای (۰.۷۲۴) و احساس ناامنی اقتصادی با ضریب بتای (۰.۵۳۷) به ترتیب بیشترین تأثیر را در تبیین و پیش‌بینی گرایش افراد به کم‌فرزندآوری دارند.

نتیجه‌گیری

ایران از جمله کشورهایی است که در دهه‌های اخیر افت شدیدی را در نرخ باروری تجربه کرده است. کاهش باروری به حدود ۱/۶ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۴۰۲ مؤید همین مطلب است و تداوم این تنزل و کاهش در آینده دور از انتظار نیست. این مسئله کشور را با چالش‌هایی مثل باروری زیر سطح جایگزینی، کاهش جمعیت در سن کار، سالخوردگی و رشد منفی جمعیت روبرو خواهد کرد. هدف اصلی این پژوهش مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به کم‌فرزندآوری در بین زنان و مردان متأهل شهر تهران است. هنگامی کم‌فرزندآوری گرایش به آن اتفاق می‌افتد که افراد تصمیم گرفته باشند کمتر از سطح جانشینی باروری (میزان باروری کل ۲/۱) فرزند داشته باشند. بدیهی است عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جمعیتی نقش زیادی در کاهش باروری و گرایش به کم‌فرزندآوری دارند. این پژوهش با رویکردی جامعه‌شناختی به دنبال تبیین رابطه بین متغیرهای احساس ناامنی اقتصادی، احساس انومی اجتماعی، گرایش به ارزش‌های مدرن، استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، میزان حمایت اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی در گرایش زنان و مردان متأهل شهر تهران به کم‌فرزندآوری صورت گرفت.

نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد بین احساس ناامنی اقتصادی و گرایش افراد به کم‌فرزندآوری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، به این معنی که هر چه احساس ناامنی اقتصادی افزایش یابد، گرایش افراد به کم‌فرزندآوری نیز افزایش می‌یابد. نتایج این فرضیه با یافته‌های تاج‌بخش (۱۴۰۰)، عباسی شوازی و خانی (۱۳۹۳) همسو می‌باشد. در تبیین نتایج این فرضیه می‌توان گفت که احساس ناامنی اقتصادی و گرانی، تورم، افزایش انتظارات اجتماعی، نقش مؤثری در فرزندآوری و ایده‌آل‌های باروری داشته است. در واقع امروزه زنان و مردان به دلیل شرایط ناشی از ناامنی اقتصادی تمایلی به داشتن فرزند بیشتر ندارند.

نتایج حاصل از انجام آزمون همبستگی پیرسون نشان داد بین احساس انومی اجتماعی و گرایش افراد به کم‌فرزندآوری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به این معنی که هر چه احساس انومی اجتماعی افزایش یابد، گرایش افراد به کم‌فرزندآوری نیز افزایش می‌یابد. در تبیین نتایج این فرضیه می‌توان گفت ضعف و زوال ارزش‌های اخلاقی، نابسامانی اجتماعی و وجود وضعیت انومیک در جامعه، کاهش نقش اخلاقی هنجارهای اجتماعی، ترجیح منافع فردی بر

منافع جمعی، فرسایش اعتماد بین فردی و افزایش فردگرایی از جمله عواملی هستند که موجب کاهش تمایل افراد بویژه زنان به فرزندآوری شده و درگرایش افراد به کم فرزندى مؤثر می باشند.

نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد بین گرایش به ارزش های مدرن و گرایش افراد به کم فرزندى رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد. در واقع هر چه گرایش افراد به ارزش های مدرن بیشتر باشد، گرایش به کم فرزندى آن ها نیز بیشتر خواهد شد. نتایج این فرضیه با یافته های تاج بخش (۱۴۰۰)؛ لستق و وندکا (۱۹۸۶) و کرتز و وایت (۲۰۰۹) همسو است. در تبیین نتایج این فرضیه می توان گفت که اثرات مدرنیته در چند دهه اخیر به قدری سریع اتفاق افتاده که جامعه را دستخوش تغییرات اساسی در نهاد خانواده، خاصه در حوزه فرزندآوری و کاهش باروری نموده است. همگام با افزایش گرایش به ارزش های مدرن یعنی عقل گرایی، فردگرایی و انسان گرایی، تغییر در باورها، ارزش ها و ایده آل های باروری و فرزندآوری نیز در جامعه دگرگون شده است. بی فرزندى و تک فرزندى از جمله آثار ارزش های مدرن در گرایش افراد به کم فرزندى است.

نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و گرایش به کم فرزندى رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد، به این معنی که هر چه استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی بیشتر باشد، گرایش افراد به کم فرزندى نیز بیشتر خواهد شد. نتایج این فرضیه با یافته های محمودیان و همکاران (۱۳۹۴) همسو می باشد. همچنین نتایج این فرضیه با یافته های اکتایی (۱۳۸۴) همسویی و سازگاری دارد. در تبیین نتایج این فرضیه می توان گفت که با گسترش رسانه های جمعی و حضور پررنگ و اعتیاد آور تکنولوژی های نوین از جمله شبکه های اجتماعی مجازی، نهاد خانواده و متعاقب آن رفتار باروری در معرض تغییرات اساسی قرار گرفته است. هرچه حضور و استفاده از شبکه های اجتماعی بیشتر باشد، گرایش به سبک زندگی مدرن بیشتر می شود و متعاقب آن اعتیاد به فضای مجازی باعث گرایش به کم فرزندى خواهد شد.

نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین میزان حمایت اجتماعی افراد و گرایش به کم فرزندى رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به این معنی که هر چه میزان حمایت اجتماعی از افراد بیشتر باشد، گرایش آنان به کم فرزندى کمتر خواهد شد. نتایج این فرضیه با یافته های آقاباری هیر و همکاران (۱۳۹۵) همسو است. در تبیین نتایج این فرضیه می توان گفت که از یک سو درک زنان حاصل از تماس های خانوادگی به ویژه با خواهر یا برادر دارای فرزندان کوچکتر، ممکن است سبب تشویق آنها برای داشتن فرزند شود. بر همین اساس ضعف در حمایت های اجتماعی از زنان و فرزندان، زمینه بی انگیزگی و بی میلی به فرزندآوری شده و درگرایش افراد به کم فرزندى مؤثر است.

نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین میزان مشارکت اجتماعی افراد و گرایش به کم‌فرزندآوری رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد؛ در واقع با افزایش میزان مشارکت اجتماعی، گرایش افراد به کم‌فرزندآوری نیز افزایش می‌یابد. نتایج این فرضیه با یافته‌های عباسی شوازی و خواجه صالحی (۱۳۹۲) و همچنین مطالعه لم (۲۰۰۷) همسو می‌باشد. در تبیین نتایج این فرضیه می‌توان گفت که در کشورهای در حال توسعه که زنان برابری جنسیتی بیشتری کسب می‌کنند و به واسطه تحصیلات و اشتغال و ورود به بازار کار، عرصه اجتماعی را بیشتر تجربه می‌کنند و به تبع آن به دنبال تحقق انتظارات و اهداف فردی خود می‌روند و گرایش به کم‌فرزندآوری دارند.

نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد و گرایش به کم‌فرزندآوری رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد، نتایج این فرضیه با یافته‌های حسینی و بگی (۱۳۹۲) همسو و سازگار است. در تبیین نتایج این فرضیه می‌توان گفت طبق تئوری انتخاب عقلانی افراد برحسب سود و هزینه دست به گزینش می‌زنند و رفتار فرزندآوری زنان نیز تابعی از هزینه و فایده است. رفتارهای زنان در زمینه باروری و گرایش به فرزندآوری تحت تأثیر درآمد و امنیت شغلی است و لازمه تأمین هزینه و مخارج فرزند نیز داشتن درآمد و امنیت شغلی است. در صورتی که در جامعه‌ای این عوامل تأمین نشود نمی‌توان انتظار داشت افراد فرزندآوری به دنیا بیاورند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «اثر عقیده به شرایط نابسامان اقتصادی در گرایش افراد به کم‌فرزندآوری» مؤثر است. بنابراین بر اساس آنچه که در پیشینه تجربی و چارچوب نظری و مفهومی پژوهش اشاره شد تعامل مجموعه‌ای از عوامل همچون ناامنی اقتصادی، احساس انومی اجتماعی، گرایش به ارزش‌های مدرن، گسترش رسانه‌های جمعی نوظهور و حضور و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، میزان حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی افراد و به تبع آن اشتغال و حضور زنان در جامعه منجر به شکل‌گیری پدیده کم‌فرزندآوری و گرایش زنان و مردان به داشتن فرزند کمتر شده است.

پیشنهادهای کاربردی

- تدوین سند چشم‌انداز جمعیتی کشور و بازنگری در سیاست‌های جمعیتی
- رصد مستمر آسیب طلاق و تلاش در جهت کنترل و کاهش این پدیده شوم در کشور
- برنامه ریزی، سیاست‌گذاری و فرهنگ‌سازی در جهت تسهیل ازدواج جوانان، تحکیم خانواده و تقویت بنیه‌های اقتصادی خانواده و معیشت خانوار
- توجه سیاست‌گذاران برای رفع نیازهای برآورده نشده خانواده‌ها زیر نظر صاحب‌نظران و پرهیز از هرگونه اظهارنظر غیر کارشناسی
- اقدامات عملی و مؤثر در جهت کاهش هزینه‌های فرزندآوری و عدم تعارض بین فرزندآوری با نقش‌های اجتماعی
- فراهم آوردن شرایط و زیرساخت‌ها برای رفع نیازهای اوقات فراغت افراد تا فرزنددار شدن منافاتی با آن نداشته باشد.
- عملیاتی نمودن تمامی مواد مندرج در قانون جوانی جمعیت نظیر تسهیلات بانکی کم بهره فرزندآوری، مرخصی زایمان، و ...
- احداث مراکز نگهداری از کودکان نزدیک محل کار یا محل سکونت زنان و به کارگیری مربیان کارآزموده جهت مراقبت از آنان
- ایجاد انگیزه و مشوق‌های مالی و خدمات اجتماعی برای تشکیل زندگی مشترک و توجه و تقویت امنیت شغلی
- افزایش حمایت اجتماعی از زنان جهت فرزندآوری با تأکید و توجه به نظام بیمه و پاداش‌های اجتماعی

منابع

- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۹) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، نشر کویر
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۲) بررسی علل ناسازگاری زوجین، ترجمه حاضری: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده
- افشانی، سید علیرضا؛ عسگری ندوشن، عباس (۱۳۸۶) نقش مردان در تنظیم خانواده و کنترل باروری در شهر یزد، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۷
- آقایاری هیر، توکل؛ فرخی نگارستان، مینا؛ لطیفی مجره، صدیقه (۱۳۹۵) فرزندآوری به مثابه مخاطره؛ مطالعه کیفی کم‌فرزنددی در شهر تبریز، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال نوزدهم، شماره ۷۳
- تاج بخش، غلامرضا (۱۴۰۳) واکاوی دیدگاه نخبگان از تمایل به فرزندآوری و شناسایی عوامل مرتبط با آن در استان لرستان، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی
- تاج بخش، غلامرضا (۱۴۰۰) مطالعه زمینه‌ها و بسترهای کاهش نرخ باروری، فصلنامه جمعیت، سال ۲۷، شماره ۱۱۴
- حسینی، حاتم (۱۳۹۲) جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان. انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، (۱۴۰۱) شنبه ۱۹ شهریور.
- دواس، دی، ای (۱۳۹۲) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران. نشر نی.
- ذکایی، محمدسعید؛ حسینی، محمدحسین (۱۳۹۵) شبکه‌های اجتماعی مجازی و سبک زندگی جوانان: فراتحلیل پژوهش‌های پیشین، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ششم، شماره ۲۲
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸) آنومی یا آشفتگی اجتماعی. تهران، انتشارات سروش.
- ریندفوس، رونالد آر؛ کیم چو، مینجا (۱۴۰۰) باروری پایین، نهادها و سیاست‌ها: تفاوت در میان کشورهای صنعتی، ترجمه حجه بی بی رازقی نصرآباد، تهران، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- رضوی‌زاده، ندا؛ غفاریان، الهه؛ اخلاقی، آمنه (۱۳۹۴) زمینه‌های کم‌فرزندطلبی و تأخیر در فرزندآوری، مطالعه زنان شهر مشهد. راهبرد فرهنگ، شماره سی و یکم، دوره هشتم، صص ۷۳ - ۹۸
- رازقی نصرآباد، حجه بی بی؛ حسینی، ز. (۱۳۹۸) مطالعه تجربه ایفای همزمان نقش شغلی و خانوادگی در مادران شاغل دارای فرزند خردسال، جامعه‌شناسی کاربردی، سال سی ام، ش سوم (۷۵) صص ۱۳۴-۱۰۹

- سرایی، حسن (۱۳۹۸) جمعیت‌شناسی: مبانی و زمینه‌ها، انتشارات سمت.
- سرایی، حسن (۱۳۹۴) بازتولید جمعیت ایران: وضع موجود و ملاحظات دربارۀ سیاست‌گذاری، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۸ صص ۱-۳۴.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سراج زاده، سید حسین؛ آزادواری، علی اکبر (۱۳۸۹) در معرض فرایند جهانی قرار گرفتن و رابطه آن با مطالبات جامعه‌ی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ششم، شماره ۲۱
- سفیری، خدیجه؛ جبارنژاد، سمیرا؛ حاتمی، علی (۱۳۹۴) بررسی رابطه گرایش به مدرنیته با سبک زندگی زنان جوان، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۴ صص ۲۸
- شیبانی، ملیحه؛ محمدی، محمدعلی (۱۳۸۶) تحلیل جامعه‌شناختی احساس آنومی اقتصادی در میان جوانان. فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۵ صص ۱۱-۳۷
- عباسی شوازی، محمدجلال و حسینی، حاتم (۱۳۸۶) قومیت و باروری: آزمون فرضیه‌های رقیب برای تبیین تفاوت‌های قومی باروری در ارومیه، نامه انجمن جمعیت‌شناسی، سال دوم، شماره ۴
- عباسی شوازی، محمدجلال؛ علی ماندگاری ملیحه (۱۳۸۹) تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آنها در ایران، پژوهش زنان، دوره هشتم شماره یکم
- عباسی شوازی، محمد جلال؛ خانی، سعید (۱۳۹۳) نا امنی اقتصادی و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری، مطالعه دو نسل مادران و فرزندان در شهر سهند. دوفصلنامه ایرانی مطالعات جمعیتی دوره سوم شماره ۲
- عباسی شوازی، محمد جلال؛ خواجه صالحی، زهره (۱۳۹۲) سنجش تأثیر استقلال، تحصیلات و مشارکت اجتماعی زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه موردی شهر سیرجان) مجله زن در توسعه و سیاست، دوره یازدهم شماره ۱
- علی پور، احمد (۱۳۸۵) ارتباط حمایت اجتماعی با شاخص‌های ایمنی بدن در افراد سالم. بررسی مدل تأثیر کلی، فصلنامه اندیشه و رفتار، سال دوازدهم، شماره ۲
- غفاری، غلامرضا؛ نیازی، محسن (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی مشارکت، تهران، نزدیک.
- فرقانی، محمد مهدی؛ مهاجری، ربابه (۱۳۹۶) رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییر در سبک زندگی جوانان. فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال چهارم، شماره ۱۳

- کلانتری، صمد؛ عباس‌زاده، محمد؛ مظفری، فاروق امین، راکعی بناب، ندا (۱۳۸۹) بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن (مطالعه جوانان متأهل شهر تبریز) جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره ۳۷
- کلدی، علیرضا؛ رحمانی، علی (۱۳۸۵) عوامل مؤثر بر نابهنجاری جوانان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم ف شماره ۲۷ صص ۲۱۲-۱۹۲
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) معنای مدرنیت، علی اصغر سعیدی، تهران، کویر.
- محمودی، محمدجواد و محمود مشفق (۱۳۹۰) چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی اجتماعی ناشی از گذار جمعیتی با تأکید بر ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال چهارم، شماره هفتم.
- محمودیان، حسین؛ محمدپور، احمد؛ رضایی، مهدی (۱۳۸۸) زمینه‌های کم‌فرزندآوری در استان کردستان: مطالعه موردی شهر سقز، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. ۴ (۸)
- محمودیان، حسین؛ رضایی مهدی (۱۳۹۱) کم‌فرزندآوری به مثابه خودحمایتی، مطالعه‌ی موردی زنان کرد، مطالعات راهبردی زنان، سال چهارم شماره ۵۵
- محمدی، میثم؛ رستگارخالد، امیر (۱۳۹۴) تغییرات فرهنگی و آفت باروری در ایران بر پایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲۶ (۲) صص ۱۸۰-۱۵۹
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) سالنامه آماری ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران.
- Abbasi Shavazi .M . J .and P . MacDonald and Hosseini Chavoshi (2009) The fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction. New York. Springer.
- Castells. Manuel (2007) Communication. Power and Counter – Power in the Network Society . International Journal of Communication . Vol. 1. 238-266.
- De Lange M . Wolbers . M . H . j . Gesthuizen and W . C. Ultee (2014) the Impact of Macro – and Micro – Economic Uncertainty on Family Formation in the Netherlands. European Journal of Population . Springer Science + Business Media Dordrecht 2014.
- Fiori .F. Rinesi . F. Pinnelli . A. and S. Prati (2013) Economic insecurity and the fertility intentions of Italian Women With one child . Population Research and Policy Review . 32(3) : 373-413
- Good . W . J . (1963) World Revolution and Family Patterns . New York : Free Press.
- Lam . Gigi (2007) “ How does gender equity affect fertility in Hong Kong “ Thesis for the Degree of doctor of Philosophy . the hong kong university of Science and Technology.

- Modena F . Rondinelli. C. And F .Sabatini (2012) Economic Insecurity and Fertility Intentions : the Case of Italy . Munich Personal Repec Archive.
- Mcquillan. K . (2004) “ When Dose Religion influence Fertility “ . Population and Development Review. 30(1) 25-56
- McDonald . P . & H. Moyle (2010) Why do English – Speaking Countries have Relatively high Fertility ?Journal of Population Research . Vol.27 . No.4 .pp. 247-273
- McDonald. P . (2006) Low Fertility and The State : the Efficacy Of Policy . Population and Development Review . 32(3) : 485-510
- Siegel . Larry . J (2003) Criminology . WadsWorth . A Division of Thomson Learning Inc.
- Vitali. Agnese & et al. (2008) Preference Theory and Low Fertility : A Comparative Perspective European Demographic Research Papers. No . 5 . pp 1-36
- Western. B . Bloom. D . Sosnaud. B . and L. Tach (2012) Economic insecurity and Social Stratification .Annual Review of Sociology . 38. pp 341-359

